

بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر

جعفر یزدیان جعفری^۱

چکیده

یکی از جرائم مورد بحث در حقوق کیفری اختصاصی و در مبحث جرائم علیه اشخاص، جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر است. متأسفانه این جرم علی‌رغم قدمت زیاد آن در مقررات کیفری ایران مورد بررسی و توجه لازم قرار نگرفته است حال آن‌که نشان‌گر توجه قانون‌گذار ایرانی به اصول اخلاقی و لزوم همبستگی اجتماعی به عنوان مبانی جرم‌انگاری این ترک فعل بوده است. در این مقاله پس از تحلیل مبانی جرم‌انگاری این عمل به بررسی ارکان جرم مزبور و مجازات‌های مختلف آن پرداخته شده است. راجع به قسمت اول به نظر می‌رسد جرم‌انگاری حداکثری یعنی مسؤولیت آحاد شهروندان در قبال افراد در معرض خطر به جهت افزایش روحیه انزواطلبی در سال‌های اخیر جامعه ایرانی نیازمند تجدیدنظر باشد و در قسمت دوم علی‌رغم تحولات اخیر ق.م.ا. بعید است بتوان ترک فعل را سبب قتل دانست به ویژه این‌که ماده ۲۹۵ شرط استناد و سببیت را لازم می‌داند.

واژگان کلیدی:

خودداری، کمک، ترک فعل، خطر، وظیفه

۱- استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.

نشانی الکترونیکی: j_yazdian@yahoo.com

نوع مقاله: مروری تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۳/۳/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۳

مقدمه

در میان جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص برخی آسیبشان بالفعل است از قبیل قتل و ضرب و جرح و برخی تنها موقعیت چنین آسیبی را فراهم می‌کنند یعنی بالقوه برای سلامت جسمانی دیگری خطرناکند. این جرائم را تحت عنوان آسیب‌های احتمالی به جسم (در مقابل آسیب‌های واقعی) یا جرم خطرآفرینی برای دیگری مورد بررسی قرار می‌دهند (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳) در این جرائم نفس خطرآفرینی برای دیگری صرف‌نظر از وقوع نتیجه‌ای خاص جرم شناخته می‌شود. برخی از این جرائم با عمل ایجابی و مثبت واقع می‌شوند از قبیل فروش مواد مخدر یا الکل، رانندگی در حال مستی و غیره و برخی با عمل سلبی و منفی. شناخته‌شده‌ترین جرم دسته‌ اخیر خودداری از کمک به افراد در معرض خطر است که در حقوق کیفر ایران سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد. اما وقایع اخیر در کشور موجب توجه دوباره به این جرم شده است. از نظر روان‌شناسی اجتماعی به طور کلی چهار نظریه در زمینه رفتار کمک‌رسانی به دیگران وجود دارد که علت کمک در هر کدام با انگیزه‌ای خاص توجیه می‌شود: ۱- نظریه هم‌حسی- نوع دوستی: کمک در اینجا به خاطر برانگیختگی حس نوع دوستی است. ۲- نظریه تسکین احساسات منفی: کمک به خاطر کاهش رنج عواطف منفی ناشی از برخورد با وضعیت اضطراری است. ۳- نظریه لذت همدلانه: کمک به خاطر احساس خوشی است که نتیجه موفقیت‌آمیز دخالت به وجود می‌آورد. ۴- نظریه جبر ژنتیکی: کمک برای نجات شخصی است که از نظر ژنتیکی با فرد شبیه است و در نتیجه شانس بقای ژن‌های شبیه به خود را افزایش می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱).

اما با وجود تمام این انگیزه‌ها چرا برخی دخالت نمی‌کنند. بررسی علل و

عوامل عدم دخالت مردم در وضعیت‌های خطرناک نیازمند تحقیقات مستقل است. اجمالاً این‌که مشارکت تحت تأثیر نیروهای مختلفی از جمله پدیده جهانی شدن، تبلیغات و مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی، فردی، احساس مالکیت بر محیط، رضایت از خدمات شهری، سنت‌گرایی، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ویژگی‌های شخصیتی، عضویت در تشکلهای و انجمن‌های داوطلبانه و صنفی، آگاهی‌های اجتماعی، شهری یا روستایی بودن،^۱ انسجام اجتماعی، نظم خانوادگی، میل به کار گروهی، انگیزه پیشرفت، تعهد اجتماعی، نژاد، اعتماد اجتماعی، نگرش به مشارکت، سابقه فرد در زمینه مشارکت، پاداش و ... تقویت می‌شود (نجفی؛ سیاسی‌مقدم؛ پورمحمد، ۱۳۸۸، ص ۳۸). بنابراین تضعیف هر یک از این عوامل تقویت‌کننده منجر به کاهش مداخله شهروندان خواهد شد. با عنایت به این مطالب در مقاله حاضر سعی شده است به بررسی دقیق‌تری از مبانی جرم‌انگاری، ارکان تشکیل‌دهنده این جرم و بالاخره مجازات آن پرداخته شود.

الف: مبانی جرم‌انگاری

۱- دیدگاه مبتنی بر عدم جرم‌انگاری

مخالفت با جرم‌انگاری خودداری از کمک مبتنی بر دلایل نظری و عملی است:

۱-۱- عدم مداخله در آزادی‌های فردی

اساساً جرائم ترک فعل مبتنی بر ایجاد یک وظیفه برای انجام فعل نسبت به شهروندان است که جرم‌انگاری آنها برخلاف جرایم فعلی با مشکل بیش‌تری مواجه است. مهم‌ترین استدلال در جهت مخالفت با ایجاد چنین جرائمی این است که قانون نباید با مجبور کردن مردم به انجام فعل به خلوت و آزادی‌های

آن‌ها تجاوز کند. این در حالی است که محدودیت در آزادی شهروندان در جرائم فعلی کم‌تر از جرائم ترک فعل است زیرا اگر به مردم گفته شود از کشتن دیگران اجتناب کنند آزادی آن‌ها کم‌تر محدود خواهد شد تا این‌که به آن‌ها بگوئیم از وقوع یک مرگ جلوگیری کنند به ویژه آن‌که این وظایف ایجابی در زمان و مکانی بر ما تحمیل می‌شوند که ما هیچ کنترلی بر آن‌ها نداریم. ناگهان فرد خود را با وضعیت خطرناک مواجه می‌بیند، هیچ چیز غیر منتظره‌تر و سخت‌تر از این نیست که شرایط و اوضاع و احوال مشخص نمایند که کجا و چگونه باید عمل نماییم (فلچر، ۱۳۸۴، ص ۹۹).

چنین دیدگاهی متأثر از مکتب فردگرایی در فلسفه حقوق است. در این مکتب اجتماع به مثابه عناصر پراکنده و بی‌ارتباط است که هر کدام از دیگری مجزا است، هیچ‌گونه قدر مشترک و عامل ارتباط‌دهنده‌ای بین آن‌ها وجود ندارد. فرد در پوشش این مکتب تنها خواهان خودداری از اذیت و آزار دیگران است لیکن تمایلی ندارد که از ضررهای آن‌ها نیز جلوگیری کند. بنابراین یک پزشک کمال آزادی را دارد که از کمک به مریض درمانده و مستأصل خودداری کند زیرا الزام به کمک به منزله بردگی است که با آزادی شخصی منافات دارد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۲). از نظر طرفداران فردگرایی، کمک صرفاً یک وظیفه اخلاقی است که با جرم شناختن خودداری از آن تبدیل به یک وظیفه قانونی می‌شود و این شائبه دخالت نابه‌جا در آزادی‌های فردی را پدید می‌آورد زیرا از افراد انتظار می‌رود با فراموش کردن آسایش و راحتی خود هر جا نیازمند کمکی را یافتند به یاری او بشتابند و در غیر این صورت با ضمانت اجرای کیفری روبرو گردند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸).

۲-۱- اشکالات عملی

در زمینه مخالفت با جرم‌انگاری خودداری از کمک، اعتراضات دیگری که جنبه عملی‌تری دارند نیز مزید بر علت می‌باشد. به عنوان مثال گفته می‌شود در جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر اگر یک‌صد نفر در کنار ساحل ناظر غرق شدن کسی باشند آیا همه آن یک‌صد نفر مسؤول هستند و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت؟ چه مقدار کمک باید داده شود؟ از شخص ناجی انتظار قبول چه مقدار خطر را داریم؟ اگر تلاش ناجی وضعیت را وخیم‌تر کند چه خواهد شد؟ (کلارکسون، ۱۳۷۴، ص ۷۰). به عنوان مثال از کسی که غرق را از آب بیرون کشیده انتظار می‌رود در صورت نیاز به وی تنفس مصنوعی هم بدهد اما آیا تکلیف هم دارد او را به نزدیک‌ترین بیمارستان برساند و اگر آن بیمارستان از پذیرش بیمار خودداری کرد آیا ملزم است او را به بیمارستان دیگری ببرد. همین‌طور در مثال مردم قحطی‌زده آیا از مردم انتظار می‌رود که با فروش وسایل خود به یاری گرسنگان منطقه قحطی‌زده بشتابند و در غیر این‌صورت همه آن‌ها مجازات شوند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹). از این‌ها گذشته جرم‌انگاری چنین رفتاری موجب افزایش شدید حجم کار مأموران انتظامی و محاکم می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹) موضوعی که با توجه به کمبود بودجه‌های دستگاه عدالت کیفری و در نتیجه گزینش موارد مهم‌تر برای جرم‌انگاری در خور تأمل است.

۲- دیدگاه مبتنی بر جرم‌انگاری

در پاسخ به این اعتراضات، موافقین جرم‌انگاری استدلال می‌کنند که اولاً راجع به استدلال در مورد مخالفت با آزادی‌های فردی باید به خاطر داشته باشیم

منافع ما در انجام آن چه که دوست داریم همیشه و به طور مستقیم با منافع متضاد والایتر مورد معارضه قرار می‌گیرند؛ کدام منفعت بزرگ‌تر است؛ حق ما در خودداری از کمک و به فکر کار خود بودن یا حق دیگری برای زیستن؟ ثانیاً در خصوص مشکلات عملی اگر یک وظیفه عام برای انجام فعل وجود داشته باشد محدود به ضابطه معقول بودن است بنابراین از شخص نجات‌دهنده فقط انتظار می‌رود آن چه را که در آن شرایط معقول است انجام دهد (کلارکسون، ۱۳۷۴، ص ۷۱).

دلایل موافقین جرم‌انگاری ناظر بر ادله زیر است:

۱-۲- مبنای اخلاقی

به لحاظ اخلاق هنجاری برخی که معتقد به حداقل گرایی اخلاقی هستند به هیچ وجه اجازه غیرعامدانه ایذاء را غیراخلاقی نمی‌دانند. مقصود از اجازه غیرعامدانه ایذاء آن است که شخص با وجود برخورداری و توانایی از جلوگیری از وقوع ایذاء سر باز زند اما در عین حال ایذاء ناشی از این استنکاف مطلوب و هدف او نباشد. به عبارت دیگر، اگرچه می‌تواند کاری کند که فرد مورد ایذاء متضرر نشود یا دست کم از میزان ضرر آن‌ها بکاهد اما چنین نمی‌کند (پیک‌حرفه، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

شاید بی‌میلی قانون برای تحمیل مسؤولیت کیفری در قبال ترک فعل بر این احساس ادراکی مبتنی باشد که رهاکردن کسی در چنگال مرگ به بدی کشتن او نیست. نظاره کردن شخص در حال غرق شدن هرچند از لحاظ اخلاقی غلط است اما به بدی نگاه داشتن سر او در زیر آب نیست. بر این اساس شاید با کم‌تر مجازات کردن عمل اول مشکل حل شود. مضافاً بر این که صرف وجود چنین جرمی در کتاب قانون، ارزشی نمادین (سمبولیک) دارد که بر اهمیتی که باید به

ارزش حیات بشری و سلامت جسمانی افراد داده شود تأکید می‌کند (کلارکسون، ۱۳۷۴، ص ۷۱). مطابق با مکتب اخلاقی حقوق که به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب فلسفه اخلاق در اروپا شناخته می‌شود عدم انعکاس قواعد اخلاقی در قوانین موضوعه، حقوق را به مجموعه‌ای از باید و نبایدهای خشک و بی‌روح تبدیل می‌کند که می‌تواند در دراز مدت موجب بی‌اعتمادی افکار عمومی به حقوق شود (مهرپور؛ تفرشی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸) بنابراین همان‌گونه که انجام کاری در جایی که انسان متعارف بدان عمل نمی‌کند تقصیر است، ترک فعلی که انسان متعارف معمولاً انجام می‌دهد نیز تقصیر محسوب می‌شود و به لحاظ حقوقی ایجاد مسؤولیت می‌کند (مهرپور؛ تفرشی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). واقعیت این است که انسان‌ها به حکم وجدان، خود را ملزم به انجام چنین افعالی می‌دانند؛ افراد همواره تمایل دارند در زمان حوادث و سوانح و بلایا تا حد امکان به دیگران کمک کنند چنان‌که همین تمایل را در زمانی که خود را مواجه با خطر می‌بینند از ناحیه دیگران دارند و این یک قاعده اخلاقی و خردمندانه است که آن‌چه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز می‌پسند (منصوری؛ افچنگی، ۱۳۸۸، ص ۶).

جعفر یزدیان جعفری

۲-۲- مبنای اجتماعی

یکی از اهداف حقوق جزا ترغیب به رفتارهای اجتماعی مقبول است و تحمل مسؤولیت جزائی در چنین مواردی مردم را تشویق به اقدام خواهد کرد (کلارکسون، ۱۳۷۴، ص ۶۸). به عبارت دیگر، در صورتی که جامعه بخواهد همبستگی بیش‌تری بین افراد پدید آورد و مشوق همکاری و تعاون جمعی باشد می‌تواند اعمالی را در قالب مواد قوانین جزائی به صورت وظایف معین پیش‌بینی کند در این صورت جامعه به نتایج مثبت همکاری و جلوگیری از بی‌قیدی و عدم توجه

افراد نسبت به منافع و خواست‌های سایر انسان‌ها نائل می‌شود (صانعی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۸). از طرفی ترک فعل در این جرائم در شرایطی شکل می‌گیرد که سایر مردم به این وظیفه عمل می‌نمایند و این خطای کسانی است که به راحتی و بدون تکلف از مزایای سیستم و دموکراسی بهره می‌برند (فلچر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱). طرفداران مکتب اجتماعی حقوق معتقدند انسان وقتی می‌تواند دارای حقوق شود که در اجتماع زندگی کند و با هم‌نوع خود روابطی را برقرار نماید. به عبارت دیگر، اساس و بنیان حقوق در اجتماع واقع شده است؛ افراد ساخته‌شده اجتماعی هستند که در آن تربیت می‌شوند پس حقوق و تکالیف آن‌ها باید از میان همین قواعد اجتماعی استخراج شود (حسنی ۱۳۸۸، ص ۲).

در هر حال به جهت همین اختلاف‌نظرها در جرم‌انگاری این عمل است که بر خلاف بیش‌تر کشورهای اروپائی در بیش‌تر ایالات آمریکا قوانینی مبنی بر الزام به کمک به افراد آسیب‌دیده وجود ندارد (فلچر، ۱۳۸۴، ص ۹۵). توضیح این‌که در کشورهایی از خانواده حقوق نوشته مثل فرانسه و آلمان^۲ چنین جرمی پیش‌بینی شده است اما در کامن‌لا هیچ وظیفه عمومی در خصوص مراقبت از سایر شهروندان وجود ندارد (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۱). در حقوق انگلستان چنین جرمی پیش‌بینی نشده است و در آمریکا نیز ایالات معدودی از قبیل مینه‌سوتا مقرراتی را در خصوص وظیفه نجات دیگران از صدمه شدید وضع کرده‌اند (رابینسون، ۱۹۸۴، ص ۱۱۸). در این میان عقیده دیگری وجود دارد مبنی بر این‌که در مقابل وضعیت حداکثری جرم‌انگاری، به جرم‌انگاری حداقلی این عمل بسنده شود؛ یعنی جرم‌انگاری به مواردی محدود شود که مغایرت آن به اخلاق عمومی در حد‌اعلای آن قرار دارد. نمونه‌های چنین حالتی ناظر بر مواردی است که وظیفه انجام فعل به موجب مقررات دیگر وجود داشته، مرتکب به مناسبت حرفه خود امکان کمک

مؤثری را داشته است، کمک برای مرتکب مستلزم هزینه ناچیز بوده و با یک اقدام جزئی امکان نجات دیگری را داشته است مانند اینکه با انداختن یک تیوب در کنار استخر می‌توانسته جان غریق را نجات دهد یا با یک تلفن ساده از طریق موبایل خود می‌توانسته موجبات نجات جان دیگری را فراهم آورد (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۱). بنابراین در سایر موارد از جرم‌انگاری عمل خودداری شود.

قانون‌گذار ما ظاهراً از دیدگاه حداکثری پیروی کرده و از دیرباز وظیفه عمومی مراقبت از سلامت افراد در معرض خطر را مقرر کرده است. حال باید دید این موضوع تا چه حد با واقعیات جامعه ایرانی و روحیات مردم کشورمان هماهنگی دارد. در تحقیقی که در زمینه میزان علاقه‌مندی مردم نسبت به شرکت داوطلبانه در فعالیت‌های مختلف جمعیت هلال‌احمر صورت گرفته است یافته‌ها حکایت از آن دارد که بیش از ۴۶ درصد پاسخ‌دهندگان به فعالیت در تیم‌های عملیاتی امداد و نجات در حد زیاد به بالا اظهار علاقه کرده‌اند و تنها ۱۰ درصد به میزان کم علاقه‌مند بوده‌اند. ۹ درصد نیز هیچ علاقه‌ای نداشته و ۲۹ درصد نیز پاسخ نداده‌اند (نجفی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۶). با وجود این در مقایسه با سایر جنبه‌های فعالیت، درصد افرادی که در زمینه عملیات امداد و نجات علاقه‌مندی خیلی زیاد داشته‌اند کم‌تر از سایر زمینه‌ها بوده است. ۱۹ درصد در مقابل حدود ۴۵ درصد برای زمینه‌های بهداشتی، حدود ۲۷ درصد برای زمینه ترویج صلح و دوستی، حدود ۳۵ درصد برای زمینه برنامه‌های زیست‌محیطی و حدود ۳۰ درصد در زمینه برنامه‌های دلجویی (نجفی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۷). البته بخشی از کم‌تر بودن این علاقه‌مندی به ماهیت ذاتی فعالیت‌های امداد و نجات برمی‌گردد که خطر بیشتری را به همراه دارند حال آن‌که انسان‌ها معمولاً از خطرکردن پرهیز می‌کنند اما نباید به نتایج دیگر تحقیق بی‌اعتنا بود. ۲۹ درصد پاسخ‌دهندگان

پاسخی به سؤالات نداده‌اند و این چیزی بیش از ۱/۴ پاسخ‌دهندگان است. شاید افزایش روحیه انزوایی و فردگرایی در جامعه کنونی ایرانی، عدم آگاهی‌های عمومی نسبت به آثار بلند مدت انسجام اجتماعی، عواقب عملی کمک و احیاناً نظام تنبیه غیررسمی در مراکز درمانی و غیره عوامل دخیل در این زمینه باشند.

ب - ارکان جرم

۱- رکن قانونی

مستند قانونی این جرم در ماده واحده‌ای به نام قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ پیش‌بینی شده است. در این ماده واحده می‌خوانیم: «هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود و یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون این‌که با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری کند به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد.

مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب‌دیده و اقدام به درمان او یا کمک‌های اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکرشده محکوم می‌شوند. نحوه تأمین هزینه درمان این قبیل بیماران و

سایر مسائل مربوط به موجب آئین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱- هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب‌دیده و یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آن‌ها خودداری کنند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

۲- دولت مکلف است در شهرها و راه‌ها به تناسب احتیاج مراکز درمانی فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم کند.

۳- مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب‌دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می‌رسانند بشوند».

لازم به ذکر است که در خصوص تنظیم آیین‌نامه مذکور در بند ۱ این ماده واحده در همان سال آیین‌نامه اجرایی آن طی ۷ ماده به تصویب هیأت وزیران رسید. در خصوص عدم تعرض به اشخاصی که اقدام به کمک می‌نمایند علی‌رغم صراحت بند ۳ ماده واحده، قانون‌گذار به جهت عدم اجرای دقیق آن ناگزیر در سال ۱۳۸۰ قانونی را تحت عنوان قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمان منتقل می‌نمایند به تصویب رساند. در این ماده واحده آمده است:

«از تاریخ تصویب این قانون، نگهداری و بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمان یا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و غیره منتقل می‌نمایند توسط مراجع مذکور ممنوع است مگر این‌که خود فرد یا مصدوم یا افراد دیگری او را مقصر قلمداد نمایند و یا دلایل دلالت بر انتساب اتهام به وی نمایند.»

همچنین در بند ج ماده ۵۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح این جرم برای مرتکبین نظامی پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده: هر نظامی که حین انجام وظیفه مرتکب جرائم ذیل گردد، در هر مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود:

- الف- چنان‌چه نسبت به مجروح یا بیمار آزار روحی یا صدمه بدنی وارد کند؛
 ب- چنان‌چه اموال مجروح یا بیمار یا مرده‌ای را تصاحب نماید؛
 ج- چنان‌چه نسبت به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند درحالی که کمک‌رسانی از وظایف اوست از کمک خودداری کند.
 تبصره- در موارد فوق‌الذکر، در صورتی که مورد از مصادیق قصاص یا دیه نیز باشد یا اموالی را تصاحب کرده باشد حسب مورد به قصاص، دیه یا استرداد اموال نیز محکوم می‌گردد.

۲- رکن مادی

۲-۱- ترک فعل متهم

خودداری از کمک، ترک فعل متهم این جرم را تشکیل می‌دهد. برای شناخت معنای کمک نکردن باید مفهوم کمک کردن را که مانع تحقق این جرم می‌شود شناخت. قانون‌گذار برای کمک دو مصداق را پیش‌بینی کرده است یکی اقدام فوری توسط خود فرد و دیگری کمک طلبیدن از دیگران. به نظر می‌رسد ترتیب این دو فعل در قانون بی‌جهت نیست بدین معنی که تقدم با مداخله مستقیم خود فرد است. به عبارت دیگر، اصل بر مداخله است اما در صورتی که ممکن نباشد یا احتمال موفقیت آن نرود نوبت به استمداد از دیگران می‌رسد.^۳ البته می‌توان حالاتی را تصور نمود که بر حسب اوضاع و احوال، کمک مستلزم

انجام هر دو فعل باشد یعنی بخشی از کمک با مداخله مستقیم و بخشی با کمک دیگران صورت پذیرد و در این حالات باید توجه داشت ترک بخشی از افعال نیز برای تحقق جرم کفایت می‌کند یعنی اگر لازم باشد شخص ابتدا خود مداخله کند و پس از انجام اقدامات اولیه از دیگران نیز کمک بگیرد انجام کمک مستقیم خود بدون استمداد از دیگران مانع تحقق جرم نخواهد شد.

مداخله فرد چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم (از طریق دیگران) لزوماً مداخله فیزیکی نیست بلکه می‌تواند به صورت مداخله شفاهی باشد به عنوان مثال در مداخله خود مرتکب گاهی صحبت کردن و دلداری دادن به فردی که درصدد خودکشی است یا شهادت دادن به نفع متهمی که محکوم به اعدام است می‌تواند فعل لازم تلقی شود هم‌چنان‌که در استمداد از دیگران این فعل می‌تواند کمک طلبیدن از یک رهگذر یا اطلاع به مقامات مسؤل باشد. با این وجود لازم است کمک دارای جنبه مادی و اثر محسوس باشد بنابراین و به طور مثال توسل به عوامل ماوراءالطبیعی و دعا کردن برای رفع خطر از شخص در معرض آن عرفاً کافی نخواهد بود (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۵۸).

جرم خودداری از کمک به مصدومین از حیث عنصر نتیجه در زمره جرائم مطلق و از حیث دوام در زمره جرائم آنی است بدین معنی که اولاً لازم نیست در امر کمک نکردن برای مجنی‌علیه حادثه‌ای اتفاق بیفتد یا اوضاع او وخیم‌تر شود بلکه صرف ترک فعل برای تحقق آن کافی است. مهم آن است که خطری در شرف وقوع یا در جریان وقوع باشد و متهم می‌توانسته جلوی وقوع یا تشدید آن را بگیرد. بنابراین، اگر اقدام شخص دیگری مانع وقوع یا تشدید خطر شود منافاتی با تحقق جرم نسبت به متهم که قبل از آن از انجام فعل خودداری کرده نخواهد داشت. هم‌چنین اگر در اثر فعل مرتکب وضعیت مجنی‌علیه بهبود نیافت یا حتی

بدتر شد متهم تعهد خود را مبنی بر انجام فعل انجام داده زیرا وظیفه قانونی کمک یک تعهد به وسیله است و نه نتیجه اگر چه رویه قضائی فرانسه بر این قاعده استثنائی وارد کرده است.^۴ ثانیاً از نظر لحظه وقوع جرم، این جرم زمانی واقع می‌شود که متهم علی‌رغم امکان کمک، از انجام آن خودداری کند بنابراین، زمان وقوع حادثه‌ای که مستلزم کمک است یا حتی زمان اطلاع یافتن یا مشاهده متهم چنانچه امکان کمک در آن لحظه نباشد اهمیتی نخواهد داشت. از این منظر خودداری از کمک یک جرم آنی است (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹).

۲-۲- شرایط لازم برای تحقق جرم

۲-۲-۱- توانایی کمک

شرط مقدم بر هر شرط دیگر توانایی کمک کردن است. بنابراین افرادی که چنین توانایی ندارند مسؤولیت نخواهند داشت. در ماده واحده نیز قانون‌گذار از واژه «بتواند» استفاده کرده است. پس در صورتی فرد مکلف به کمک و در غیر این صورت دارای مسؤولیت است که این کار از عهده او برآید (منصوری؛ افچنگی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). سؤال اینجاست که معیار توانایی چیست؟ آیا ملاک قضاوت در مورد توانایی، نوع افراد معمولی و متعارف جامعه است یا معیار شخصی و نسبت به توانایی‌های شخص متهم سنجیده می‌شود؟ به نظر می‌رسد برای تحقق عملی کمک باید توانایی شخص متهم در نظر گرفته شود و این توانایی هم به لحاظ جسمانی است و هم به لحاظ روانی؛ یعنی متهم اولاً آمادگی فیزیکی لازم برای کمک کردن را داشته باشد و ثانیاً به لحاظ روحی در شرایط مساعد برای کمک باشد. با این تفاسیر اگر نوع افراد جامعه توانایی کمک نداشته باشند اما متهم به خاطر توانایی‌های خاصی که دارد این امکان برایش فراهم باشد در صورت

خودداری مسؤولیت خواهد داشت.

۲-۲-۲- وجود شخص در معرض خطر جانی

در بررسی این شرط باید مفهوم شخص و خطر را شناخت.

وقتی می‌گوییم شخص، مقصود انسان زنده است و مفهوم زندگی یا حیات را اصولاً از زمان تولد تا مرگ قلمداد می‌کنند. اما آیا می‌توان جنین را نیز به این حکم ملحق کرد؟ خودداری از کمک به جنین در معرض خطر اگر به عنوان کمک نکردن به مادر باشد هیچ اختلافی در جرم بودن آن نیست اما بحث بر سر جانی است که مادر مرده باشد اما جنین هم‌چنان زنده یا جنین در خارج از رحم زندگی کند. در این موارد رویه قضائی فرانسه پزشکی را که از انجام عمل سزارین روی مادر خودداری کرده بود مجرم شناخت (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷). اما آیا می‌توان در مقررات کیفری ما نیز همین رویه را اتخاذ کرد؟

می‌توان سه نظر مختلف را ارزیابی کرد. اول آن که قایل شویم چون قانون‌گذار واژه شخص را برای مجنی‌علیه به کار برده است و عرفاً به جنین شخص نمی‌گویند به طور کلی جنین نمی‌تواند موضوع این جرم باشد. نظر دوم این است که با توجه به فلسفه جرم‌انگاری این عمل که همانا تقویت روحیه تعاون و همکاری در سطح جامعه است جنین را نیز در این جرم مطلقاً مورد حمایت قرار دهیم و بالاخره نظر سوم قایل شدن به تفصیل بر مبنای مراحل رشد جنینی است. بدین معنا که اگر جنین دارای روح باشد بتواند موضوع این جرم قرار گیرد و در غیر این صورت خیر. نظر اخیر در مقررات کیفری ما از آن جهت که معیار دمیده شدن روح را برای تعیین مجازات‌های متفاوت مبنا قرار داده و دیه از بین بردن جنین دارای روح را دیه کامله تلقی کرده است به نظر قابل قبول می‌نماید.

گوئی قانون گذار تنها وقتی جنین دارای روح باشد آن را به مثابه یک انسان کامل و شخص مدنظر قانون تلقی کرده است.

پس از تولد، علی‌الاصول طفل مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد الا این که به عقیده برخی خودداری از کمک به طفل در مقررات کیفری ایران دارای مستند ویژه‌ای است. به عقیده این افراد ماده ۶۳۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵^{هـ} در این زمینه قابل استفاده است زیرا فعل رها کردن در این ماده هم در مفهوم مثبت (عملاً کسی را رها کردن) و هم در مفهوم منفی (کسی را به حال خود گذاشتن) استعمال شده است اما به نظر می‌رسد چون در این ماده تعبیر شخصاً یا توسط دیگری پیش‌بینی شده است و منطقاً نمی‌توان توسط دیگری کسی را به حال خود گذاشت بنابراین رها کردن در این ماده را باید در مفهوم مثبت آن مدنظر قرار داد و این ماده را از مصادیق جرائم فعلی دانست و نه ترک فعل. (صانعی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۰) به ویژه آن که قانون گذار در این ماده وقوع نتیجه فوت را عامل تحقق جرم قتل دانسته که تحقق آن با ترک فعل علی‌رغم تصویب ماده ۲۹۵ ق.م.ا. جدید مورد مناقشه است. زیرا ماده مرقوم شرط سببیت و استناد را مطرح می‌کند و مشکل نیز در عمل مربوط به احراز همین شرط است. هم‌چنین در این قسمت قانون گذار از واژه اقدام استفاده کرده است که برای ترک فعل واژه مناسبی نیست؛ چنان چه در ماده واحده این واژه را برای انجام فعل به کار برده است آن جا که می‌گوید: «با اقدام فوری خود... از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند».

در خصوص مفهوم خطر نیز باید گفت مقصود از آن خطری است واقعی^۶ که جسم مجنی‌علیه را تهدید می‌کند. قانون گذار در این مورد از تعبیر جان استفاده کرده است. آیا منظور از جان خطرانی است که صرفاً حیات قربانی را تهدید

می‌کند یا شامل کلیه خطرات نسبت به جسم قربانی می‌شود؟ به عنوان مثال، اگر خطر فقط نسبت به سلامتی جسمی باشد بدون آن که حیات را تهدید کند می‌تواند موضوع جرم قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد در این زمینه بتوان از ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون استفاده نمود. در ماده یک آیین‌نامه آمده است: «فوریت‌های پزشکی به مواردی از اعمال پزشکی اطلاق می‌شود که بایستی بیماران را سریعاً مورد رسیدگی و درمان قرار داد و چنانچه اقدام فوری به عمل نیاید باعث خطرات جانی، نقص عضو یا عوارض صعب‌العلاج و یا غیرقابل جبران خواهد شد». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این ماده خطرات اعم از جانی و غیر جانی (نسبت به سلامتی) تلقی شده است. بدین ترتیب اگر هم خودداری از کمک بالقوه نتواند منجر به مرگ شود اما امکان آن باشد که موجب یکی از ضایعات مذکور شود باز جرم واقع شده است. در قانون مجازات نیروهای مسلح نیز قانون‌گذار واژه «مجروحان» را در کنار خطر جانی آورده است که حکایت از شمول مفهوم خطر بر هر نوع خطر جسمانی دارد.

۳-۲-۲- عدم دخالت متهم در ایجاد وضعیت خطرناک

در خصوص منشأ خطر تفاوتی نمی‌کند که ناشی از یک بیماری، حادثه و رخداد طبیعی یا خطای کیفری شخص ثالث یا حتی خطای خود قربانی باشد (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). البته استفاده از واژه خطا برای شخص ثالث یا قربانی بدان معنا نیست که اگر خطری عمداً ایجاد شده باشد قابل کمک کردن نیست. تنها چنانچه در این موارد انجام کمک مستلزم ارتکاب جرمی علیه عامل ایجاد خطر باشد باید شرایط دفاع مشروع نسبت به دیگری رعایت شود.^۷

در هیچ یک از موارد فوق متهم در ایجاد وضعیت خطرناک دخالتی نداشته

است اما آیا می‌توان تصور کرد که فردی با اقدام خود دیگری را در معرض خطر قرار دهد و سپس به خاطر خودداری از کمک به وی متهم به این جرم شود؟ رویه قضائی فرانسه درباره جمع بودن دو جرم بسیار مردد است. در اینجا اوصاف متناوب وجود دارد یا باید قائل به ارتکاب خشونت شد یا جرم خودداری از کمک؟ زیرا از لحاظ روانی دشوار است که از مرتکب خشونت خواسته شود که به بزه‌دیده کمک کند (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹). در مقررات کیفری ایران نیز فرض مقنن در ماده واحده این است که مرتکب در وقوع وضعیت در معرض خطر جانی قرار گرفتن طرف نقشی نداشته باشد به طور مثال، اگر شخص الف با چاقو ضربات متعددی بر شخص ب وارد نماید و او را در معرض خطر جانی قرار دهد و سپس از کمک به او خودداری نماید از شمول ماده واحده خارج خواهد بود و فقط به مجازات جرم ضرب و جرح یا قتل حسب مورد محکوم می‌شود. استفاده مقنن از واژگان «مشاهده کند» و «خودداری نماید» و نیز مجازات مقرر مؤید این امر است (آقائی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۴؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵، صص ۱۵۱-۱۵۲). استثنائاً قانون‌گذار در حالتی که وقوع خطر به صورت غیرعمدی و در اثر حوادث رانندگی باشد رها کردن و خودداری از کمک توسط مرتکب ایجاد صدمه را طبق ماده ۷۱۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ عامل تشدید مجازات دانسته است.^۸

۲-۲-۴- عدم وجود خطر برای خود یا دیگری

این شرط نسبت به شرط اول شأن مستقلی دارد؛ یعنی مرتکب توانایی کمک دارد اما برای او به اندازه کافی خطرناک است. در این جرم آنچه مذموم است بی‌تفاوتی نسبت به حیات دیگران است و گرنه بی‌باکی و تهور تشویق نمی‌شود. بنابراین، وجود خطر برای متهم یا سایرین مانع تحقق جرم می‌شود. در این جا،

خطر واقعه‌ای است که یک انسان متعارف را وادار به عقب‌نشینی نماید پس کسی که شنا بلد نیست کمک نکردن او به شخصی که در حال غرق شدن است جرم نمی‌باشد (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴). البته باید توجه داشت بنابه قرائن مذکور در ماده واحده خطری که برای متهم یا سایرین می‌تواند مانع تحقق جرم باشد خطری با ماهیت جانی یا نزدیک به آن است و الا خطرات خفیف‌تر مثل خطر مالی را شامل نمی‌شود. با این وجود، به عقیده برخی ظاهر ماده واحده هرگونه خطر مالی و جانی و شرافتی را در بر می‌گیرد به شرطی که این خطر قابل ملاحظه باشد (حسنی، ۱۳۸۸، ص ۶) اما به نظر می‌رسد منطقی آن باشد که بگوییم آنچه می‌تواند مانع کمک شود خطری است که موجب ایراد صدمه‌ای شدیدتر به متهم شود (رابینسون، ۱۹۸۴، ص ۱۲۲) و بعید است صدمات غیرجسمانی چنین قابلیت را داشته باشند. در حقیقت، آنچه موجب پیش‌بینی شرط مزبور در این جرم شده آن است که چون مبنای جرم‌انگاری این عمل حمایت از تمامیت جسمانی دیگران است این حمایت تا زمانی است که جسم خود متهم یا دیگری به مخاطره نیفتد زیرا در این صورت ترجیح جان دیگری بر جان خود بلامرغ خواهد بود و هیچ کس از انسان‌های معمولی چنین انتظاری ندارد. به همین دلیل است که اگر این جرم را با جرم خودداری از اعلام جنایت مقایسه کنیم از آنجا که جرم اخیر دارای مبنای متفاوتی است (حمایت از عدالت قضائی) وجود خطر در آن با عدم وجود آن علی‌السویه است؛ یعنی قانون‌گذار در جرم عدم اعلام جنایت به متهم اجازه نمی‌دهد تا به بهانه وجود خطر برای خود از انجام عمل مبنی بر اعلام خودداری کند (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

در این‌جا نیز اگر کمک کردن متهم مستلزم ارتکاب جرمی علیه شخص ثالثی باشد مثل آن که برای دفع خطر لازم باشد اموال دیگری را از بین ببرد مورد

از مصادیق عامل موجهه اجرای قانون اهم خواهد بود زیرا ترک فعل یا فعل مرتکب هرکدام موجب تحقق یک عنوان مجرمانه است (از یک طرف جرم خودداری از کمک و از طرف دیگر جرم تخریب اموال دیگری) و در صورتی که متهم تخریب اموال را انتخاب کند عمل وی طبق بند ب ماده ۱۵۸ ق.م.ا.م. ۱۳۹۲ موجه خواهد بود. با این وجود، اگر در اثر کمک ناشیانه آسیبی به شخص در معرض خطر یا افراد ثالث وارد آید به جهت تقصیر می‌توان مرتکب را دارای مسؤولیت دانست زیرا اگرچه انگیزه وی احسان بوده است اما فردی که اصول امداد و نجات را رعایت نمی‌کند نیکوکار محسوب نمی‌شود و در برابر زیان مسؤول است (منصوری؛ افچنگی، ۱۳۸۵، ص ۲۵). در این راستا ماده ۵۱۰ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی را برای عدم ضمان فرد محسن لازم دانسته است.

۳- رکن معنوی

به اعتقاد برخی این جرم یک جرم مادی صرف است و عمد یا بی‌توجهی خودداری‌کننده در انجام تکلیفی که به موجب قانون برای او مقرر شده است مؤثر در محکومیت نخواهد بود (آقائی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۴). اما به عقیده برخی دیگر کمک نکردن فقط در صورتی قابل مجازات است که عمدی باشد و شخص متهم اراده کمک نکردن را داشته باشد (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷) به نظر می‌رسد دلیلی بر مادی صرف بودن این جرم وجود ندارد اگرچه برخلاف قانون‌گذار فرانسه قانون‌گذار ما واژه عمد را در متن قانون به کار نبرده است اما این مطلب را باید بنابر اصل برائت و لزوم احراز ارکان جرم (از جمله رکن معنوی) و نیز اصل عمدی بودن جرائم توجیه کرد؛ قانون‌گذار بنائی بر ذکر واژه عمد یا سوءنیت در جرائم عمدی ندارد و

در بسیاری از جرائم این موضوع را نشان داده است.

پس از قبول لزوم سوءنیت در این جرم قصد کمک نکردن به شخص در معرض خطر لازم است اجزای این قصد بررسی شود. برای تحقق چنین قصدی اولاً لازم است متهم علم به وجود یک شخص زنده و ثانیاً علم به در معرض خطر بودن وی داشته باشد. پس اگر به فرض مثال تصور کند فردی که در کنار جاده افتاده مرده است یا اصلاً یک حیوان است سوءنیت لازم وجود نخواهد داشت. هم‌چنین است اگر علی‌رغم علم به وجود چنین شخصی اطلاع از وجود خطر برای وی نداشته باشد. در مورد جزء دوم لازم برای تحقق سوءنیت باید گفت اطلاع یافتن متهم نسبت به وجود خطر می‌تواند به طور مستقیم یعنی از طریق مشاهده یا به طور غیرمستقیم یعنی از طریق اطلاع دادن سایر افراد باشد مثل طبیعی که با تلفن او را از وضعیت وخیم بیمار مطلع کرده‌اند. با این وجود، قانون‌گذار ما از واژه «مشاهده» برای اطلاع استفاده کرده است. اما به نظر می‌رسد تفسیر منطقی این است که هرگونه اطلاع یافتن به شرطی که ابعاد خطر را برای متهم روشن کند کافی باشد و این که قانون‌گذار از تعبیر «مشاهده» استفاده کرده است را باید با زمان تصویب قانون تفسیر کرد. این قانون مصوب دهه ۱۳۵۰ است که در آن زمان حتی تلفن نیز شیوع و کاربرد چندانی نداشته لذا این طبیعی است که مقنن بگوید مشاهده کند اما در حال حاضر که حتی می‌توان تصویر واقعه را نیز از طریق خطوط مخابراتی و با تلفن‌های همراه برای مقامات ارسال کرد بعید است که با جزم اندیشی در الفاظ قانون این حالت را مشمول جرم شناسیم.

گاهی اوقات علی‌رغم علم ظاهری نسبت به وجود خطر برای جان دیگری باز مرتکب فاقد سوءنیت لازم است مانند آن که تصور کند شخص دیگری به فرد در معرض خطر کمک خواهد کرد و به این دلیل از کمک کردن خودداری کند. در

واقع این جا اشتباهی که متهم را به خودداری کشانده است مانع تحقق علم کامل و در نتیجه سوءنیت وی خواهد بود. در مقابل اگر متهم بدون آن که اشتباهی کند علی‌رغم علم به وضعیت خطرناک، تنها به خاطر مسامحه و تنبلی از کمک پرهیز نماید دارای سوءنیت لازم خواهد بود اگرچه آروزی آسیب نرسیدن به قربانی را نیز داشته باشد. در حقیقت اینجا علم کامل او نوعی قصد تبعی تلقی خواهد شد.

۴- مجازات

۴-۱- تعزیر

قانون‌گذار برای این جرم یک مجازات ساده و یک سری مجازات مشدد پیش‌بینی کرده است که در حال حاضر می‌توان آن‌ها را در قالب مجازات‌های تعزیری بررسی نمود.

۴-۱-۱- مجازات ساده

مجازات ساده این جرم حبس تا یک سال یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال است. از آن جا که قانون‌گذار برای حبس این جرم حداقلی تعیین ننموده است بنابر قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین امکان تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز (حبس کوتاه مدت) وجود نخواهد داشت و در مواردی که قاضی بخواهد به کم‌تر از این حکم دهد لاجرم باید آن را تبدیل به جزای نقدی نماید. به‌علاوه مطابق ماده ۶۷ قانون جدید مجازات مصوب ۱۳۹۲ دادگاه می‌تواند به جای حبس در این جرم به جایگزین‌های آن حکم دهد. در خصوص جزای نقدی نیز با توجه به تأثیر تورم در طول این چند دهه مطابق ماده ۲۸ قانون جدید برحسب نرخ تورم این مبلغ تعدیل خواهد شد. مطابق ماده ۱۹

ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ این تعزیر درجه شش محسوب می‌شود و طبق ماده ۲۳ همان قانون امکان تکمیل این مجازات نیز وجود دارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مجازات این جرم در حقوق کیفری ایران در مقایسه با حقوق کیفری فرانسه خفیف‌تر است چنان‌چه در این کشور پنج سال حبس برای جرم مزبور در نظر گرفته شده حال آن‌که در حقوق ایران در حالات مشدد حداکثر سه سال حبس مقرر شده است. به نظر می‌رسد لاقلاً یکی از عوامل تعیین میزان مجازات برای این جرم، مقدار حساسیتی است که مردم هر جامعه نسبت به دیگران دارند؛ هر چه میزان حساسیت بیشتر باشد همبستگی اجتماعی نیز بیشتر تر و در نتیجه قانون‌گذار برای اعمالی که مخل این همبستگی است مجازات بیش‌تری تعیین خواهد کرد. در جامعه‌ای مثل ایران تحت تأثیر وحدت تاریخی، فرهنگی، نژادی و مذهبی، همبستگی اجتماعی افراد بسیار شدید است و این همبستگی به هنگام وارد آمدن بلا و مصیبت به میزان زیاد متظاهر می‌شود. در مقام مقایسه، جامعه‌ای مثل آمریکا که به جهت اختلافات عمیق نژادی، فرهنگی و اقتصادی غالب اعضای جامعه احساس و علاقه کم‌تری در کمک و جلوگیری از مصیبت و مشکل دیگران ندارد (صانعی، ۱۳۸۱: ۶۶۷). اما کم‌تر بودن مجازات را در حقوق کیفری ایران در مقایسه با فرانسه به گونه دیگری می‌توان توجیه کرد: وسعت دامنه حساسیت از نظر کمی رابطه معکوس با شدت آن از نظر کیفی دارد؛ در جوامع شرقی حساسیت تقریباً به طور انحصاری در داخل خانواده متمرکز می‌شود برخلاف کشورهای دیگری که حساسیت در آن‌ها دامنه گسترده‌تری دارد و انسان‌ها به خاطر تربیت اجتماعی در مقابل افراد بیش‌تری حساسیت نشان می‌دهد. اگرچه در اینجا از شدت حساسیت کاسته شده است اما به بیرون از خانواده نیز گسترش می‌یابد (صانعی، ۱۳۸۱، ص ۶۶۵). شاید کم‌تر بودن

مجازات را به گونه دیگری نیز بتوان تحلیل کرد؛ اساساً در جوامع توسعه‌یافته حضور مقامات رسمی امدادسانی در صحنه مثل پلیس، اورژانس، آتش‌نشانی و غیره به فاصله کم‌تری از زمان وقوع حادثه اتفاق می‌افتد در نتیجه موارد مواجهه مردم با حادثه و به تبع آن وضعیت خطرناک به مراتب کم‌تر است. بنابراین اگر در مواردی این مواجهه اتفاق افتد انتظار بیشتری از شهروندان برای کمک می‌رود در مقابل در جوامع کم‌تر توسعه‌یافته که این مدت زمان بالنسبه طولانی‌تر است نمی‌توان ضعف سایر دستگاه‌ها را بر دوش آحاد جامعه قرار داد و مجازات مشابهی در نظر گرفت.

۲-۱-۴- مجازات‌های مشدد

قانون‌گذار ایران سه کیفیت مشدده را برای این جرم پیش‌بینی نموده است. هر سه نوع کیفیت مشدده شخصی است. این بدان معناست که در این موارد چنان‌چه برای متهم شریک یا معاون وجود داشته باشد مجازات آن‌ها تشدید نخواهد شد. این کیفیات عبارتند از:

۱- امکان کمک مؤثر به جهت اقتضای حرفه مرتکب: در این حال مجازات مرتکب به حبس سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال افزایش خواهد یافت. علت تشدید مجازات آن است که قانون‌گذار از این افراد انتظار بیشتری برای مساعدت و تعاون دارد به عنوان مثال، نجات غریق که شاهد غرق شدن دیگری است اگرچه در آن لحظه مشغول انجام وظیفه خود نباشد چنان‌چه از کمک خودداری کند عمل قبیح‌تری انجام داده و مستحق مجازات بیشتری است. در این حالت نیز تعزیر درجه شش محسوب می‌شود و ممکن است به تشخیص قاضی با مجازات تکمیلی توأم گردد.

۲- مسؤولیت مرتكب در مراكز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی:

چنانچه سمت مرتكب مسؤولیت در مراكز درمانی باشد و از پذیرفتن شخص آسیب‌دیده خودداری کند به حداکثر مجازات مذکور یعنی دو سال حبس یا جزای نقدی معادل پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این‌جا نیز فلسفه تشدید، قباح اخلاقی بیش‌تر خودداری از جانب متهم مزبور است.

۳- وجود وظیفه قراردادی یا قانونی در کمک به قربانی برای مرتكب:

بند ۲ ماده واحده چنین حالتی را پیش‌بینی می‌نماید که مجازات آن از دو حالت قبلی شدیدتر است (شش ماه تا سه سال حبس) زیرا هم میزان حبس آن بیش‌تر است و هم جزای نقدی به عنوان مجازات جایگزین ندارد. در خصوص ارتباط این بند با دو کیفیت مشدده قبلی باید گفت در کیفیت اول مرتكب اگرچه حرفه‌ای است اما ظاهراً وظیفه‌ای در آن وضعیت نداشته است و در مورد کیفیت دوم اگرچه به خاطر مسؤولیت، فرض بر وجود وظیفه است اما ناظر بر مسؤولین خاصی است که خودداری آن‌ها به صورت عدم قبول فرد آسیب‌دیده در مراكز درمانی است و این متفاوت با وضعیت همان مسؤولی است که در صحنه حادثه حاضر بوده است و از کمک خودداری می‌کند (مثل پزشک آمبولانس). در مورد اخیر باید وی را با کیفیت سوم مؤاخذه کرد و نه دوم. این تعزیر مطابق ماده ۱۹ قانون جدید درجه پنج محسوب می‌شود و علاوه بر امکان مجازات تکمیلی وفق بند پ ماده ۲۵ قانون جدید همراه با محرومیت‌های اجتماعی به عنوان مجازات تبعی خواهد بود.

۲-۴- قصاص

سؤالی که در این‌جا همواره مطرح شده این است که چنانچه خودداری

متهم منجر به صدمه یا فوت قربانی شود آیا می‌توان وی را به مجازات صدمات (اعم از قتل یا جرح) محکوم کرد؟ در این زمینه حقوق‌دانان نظرات مختلفی دارند. به عقیده برخی در این زمینه ماده واحده، جرم خودداری از کمک را به عنوان یک جرم مطلق بیان کرده است و توجهی به نتیجه ندارد. بنابراین، اگر خودداری منتهی به مرگ شود باید سراغ قواعد عمومی رفت و در حقوق ایران از آن‌جا که ارتکاب جرم از راه تسبیب نیز ممکن است و تسبیب برخلاف مباشرت هم از طریق فعل ممکن است و هم ترک فعل، بنابراین، قتل عمد از طریق فعل نیز امکان دارد (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۶۹) اما در مورد چگونگی این امکان به اعتقاد بعضی در مواردی که برای تارک فعل، وظیفه انجام کمک وجود داشته است می‌توان اتهام قتل یا سایر صدمات را نیز پذیرفت و در غیر این صورت خیر (گلدوزیان، ۱۳۸۰، صص ۵۵-۵۶). اما برخی دیگر معتقدند صرف وجود وظیفه برای تحمیل مسؤولیت قتل یا سایر صدمات کافی نیست و نیاز به شرایط دیگری از جمله احراز رابطه سببیت می‌باشد. به عبارت دیگر، برای مسؤولیت به خاطر نتایج کافی نیست متهم مانع مرگ نشده باشد بلکه لازم است علاوه بر آن باعث مرگ نیز شده باشد لذا پزشکی که از قبول بیمار خودداری کرده و مانع مرگ او نمی‌شود علت مرگ نمی‌باشد زیرا علت مرگ در این‌جا بیماری است اما اگر مادر از شیر دادن به نوزاد خودداری کند و نوزاد بمیرد قاتل است زیرا باعث مرگ شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، صص ۴۲-۴۴) بنابر نظر اخیر و در محدوده ماده واحده تنها متهمی را می‌توان به خاطر نتایج حاصله تعقیب نمود که مشمول بند ۲ باشد و ترک فعل او سبب کافی برای وقوع آن نتایج باشد.^۹ در حال حاضر مطابق ماده ۲۹۵ قانون جدید در صورتی که ترک فعل مسبوق به برعهده گرفتن انجام فعلی بوده یا مبتنی بر انجام وظیفه خاص قانونی باشد و سبب جنایت شود موجب مسؤولیت

تارک فعل به خاطر نتایج حاصله خواهد بود. به نظر می‌رسد در مانحن‌فیه، هیچ‌کدام از شرایط این ماده فراهم نباشد زیرا نه فعل قبلی وجود دارد و نه وظیفه خاص. بلکه قانون‌گذار یک وظیفه عام و همگانی مقرر کرده و در مواردی هم که تارک فعل وظیفه خاص برای کمک‌رسانی داشته احراز رابطه سببیت و استناد نتیجه به تارک فعل مواجه با مشکل است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جرم خودداری از کمک به مصدومین علی‌رغم قدمت زیاد آن در مقررات کیفری ایران به اندازه کافی مورد توجه جرم‌شناسان و حقوق‌دانان قرار نگرفته است. البته بررسی علل وقوع این جرم نیاز به تحقیق و بلکه تحقیقات مستقلی دارد اما اگر به مبانی جرم‌انگاری این عمل توجه شود لاقلاً می‌توان به دو عامل در این زمینه اشاره کرد: یکی کم‌رنگ شدن اخلاق نوع‌دوستی و افزایش روحیه فردگرایی و این‌که هر کس باید در این دنیای شلوغ و پر دغدغه گلیم خود را از آب بیرون کشد و دیگری عدم توجه مردم به آثار مثبت انسجام اجتماعی و نفع کلی که کمک به سایرین برای همه شهروندان در پی دارد. البته نباید در این میان از وجود برخی مشکلات عملی مثل عواقب کمک در مراجع رسمی غافل بود. آنچه مسلم است قانون‌گذار ما از میان دیدگاه‌های مختلف در خصوص جرم‌انگاری عمل، دیدگاه حداکثری را برگزیده و وظیفه عمومی کمک را برای همه مقرر کرده است. حال آن‌که دیدگاه متعادل‌تر این است که به جرم‌انگاری حداقلی که مطابق آن جرم بودن خودداری، محدود به موارد خاصی می‌شود اکتفا شود. شاید این دیدگاه با وضعیت فعلی جامعه ایرانی و تحولات آن طی عمر سی و چند ساله این قانون مناسبت بیشتری داشته باشد و الا با وضعیت موجود لازم

می‌آید هر روزه افراد زیادی را در جامعه تحت تعقیب کیفری قرار دهیم. قانون کیفری تا حد مشخص و محدودی امکان ترغیب مردم به کمک کردن را به صورت ارزش نمادین دارد و در این زمینه نباید به دنبال جبران ضعف سایر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی با مجازات بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. به طور مثال در جوامع پیچیده در مقایسه با جوامع ساده پدیده‌ای موسوم به اضافه بار مانع کمک‌رسانی می‌شود بدین توضیح که تراکم و ناهمگونی شدید این جوامع به صورت اضافه بار بر نوع دوستی و همبستگی مردم تأثیر گذاشته است و به صورت سستی روابط و سطحی شدن آن‌ها نمود می‌کند. زیرا وقت روزانه و توان و انرژی فرد کفاف زندگی خودش را هم نمی‌دهد در نتیجه با رعایت قاعده‌الاهم فالاهم نسبت به مشکلات دیگران بی‌تفاوت می‌شود. بنگرید به: کریمی، یوسف. (۱۳۹۱). روانشناسی اجتماعی، نظریه‌ها مفاهیم و کاربردها، تهران، انتشارات ارسباران، چاپ بیست و هفتم، ص ۱۶۹.

۲. در مقررات کیفری فرانسه به عنوان یکی از منابع جرم‌انگاری در مقررات کیفری ایران ابتدا در قانون جزای ۱۸۱۰ ناپلئون خودداری نه به صورت مستقل و نه به عنوان فعل از راه ترک فعل قابل مجازات نبود. رویه قضائی نیز در این زمینه صراحت داشت و مبتنی بر وفاداری به روح قانون ۱۸۱۰ بود اما به تدریج این دیدگاه تغییر کرد و بنابر غلبه همبستگی اجتماعی بر اصل کهنه انقلابی و ناپلئونی اصالت فرد این جرم در ماده ۶۳ قانون جزای قدیم فرانسه پیش‌بینی شد و در حال حاضر در ماده ۶-۲۲۳ قانون جزای جدید مصوب ۱۹۹۴ مقرر شده است. بنگرید به: پرادل، ژان. (۱۳۸۶). جرائم علیه اشخاص، جلد اول، ترجمه: مجید ادیب، چاپ اول، تهران، نشر میزان، صص ۲۳۷-۲۳۹. در بند یک این ماده آمده است: «هر کس بدون آنکه برای او یا برای شخص ثالث خطری در برداشته باشد بتواند با اقدام بی درنگ خود از ارتکاب یک جنایت یا جنحه علیه سلامت جسمانی اشخاص جلوگیری کند عمداً از جلوگیری از آن خودداری کند به پنج سال حبس و ۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی محکوم می‌شود. در بند ۲ این ماده نیز می‌خوانیم: «هر کس بدون آن‌که برای او یا برای شخص ثالث خطری در برداشته باشد بتواند با اقدام خود یا آوردن کمک به شخصی که در خطر قرار دارد کمک کند عمداً از انجام این کار خودداری کند به همین مجازات محکوم می‌شود».

در حقوق کیفری آلمان نیز بند C ماده ۳۲۳ قانون کیفری مصوب ۱۹۹۸ این کشور چنین جرمی را پیش‌بینی کرده است. مطابق این ماده: هر کس در جریان حوادث یا یک خطر یا وضعیت اضطراری عمومی از ارایه کمک خودداری کند در صورتی که کمک لازم بوده و مطابق با اوضاع و احوال انتظار آن برود چنان‌چه امکان کمک بدون خطر قابل توجه برای وی و بدون اینکه سایر وظایف قانونی مهم نقض گردد وجود داشته باشد مسؤول بوده و به مجازات حبسی که از یک سال تجاوز ننماید یا جزای نقدی محکوم خواهد شد.

۳. رویه قضائی فرانسه نیز کمک خواستن از ثالث را دارای جنبه فرعی دانسته و اصل را بر اقدام شخص گذاشته است زیرا قضاوت بیم آن دارند که افراد به راحتی از وظیفه خود شانه خالی کنند

و بار انجام آن را به عهده دیگران بگذارند. بنگرید به: پرادل، ژان. (۱۳۸۶). جرائم علیه اشخاص، جلد اول، ترجمه: مجید ادیب، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۲۵۶.

۴. این استثنائات ناظر به جایی است که وسیله به کار رفته با وضعیت تناسبی نداشته باشد در اینجا متهم به خاطر عدم استفاده از وسیله مناسب به مجازات خودداری از کمک محکوم گردیده است بنگرید به: پرادل، ژان. (۱۳۸۶). جرائم علیه اشخاص، جلد اول، ترجمه: مجید ادیب، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۲۵۷.

۵. ماده ۶۳۳ ق.م.ا: «هرگاه کسی شخصا یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد».

۶. مقصود از واقعی آن است که خطرات احتمالی که ناشی از فرض یا تصور باشد کافی نیست. (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷)

۷. در این زمینه تبصره ۱ ماده ۱۵۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی بر عهده دفاع‌کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد».

۸. ماده ۷۱۹ ق.م.ا: هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید. تبصره ۱- راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد. تبصره ۲- در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

۹. برای نظر مشابه رک: محسنی، مرتضی. دوره حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ص ۱۳۸. اگر چه نویسنده مذکور در مثال‌های خود برای ترک فعل دارای رابطه سببیت از ترک فعل مسبوق

به فعل استفاده کرده است مثل فردی که دیگری را محبوس کرده و آن قدر به وی گرسنگی می‌دهد تا هلاک شود به عقیده نگارنده، مقصود ما از ترک فعل، ترک فعل محض است و این نمونه ما از مصادیق فعل محسوب خواهد شد.

فهرست منابع

- آقائی‌نیا، حسین. (۱۳۹۲ش.). *جرائم علیه اشخاص (جنایات)*، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- پرادل، ژان. (۱۳۸۶ش.). *جرائم علیه اشخاص*، جلد اول، ترجمه: مجید ادیب، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- پیک حرفه، شیرزاد. *پویشی در پاره‌ای از پیامدهای جهانی اخلاق رایج*، روزنامه شرق، شماره ۲۳/۶/۱۳۴۳، ۹۰.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۸ش.). *مسئولیت مدنی شخص خوددار*، قابل دسترس در <http://mohassani.persianblog.ir>:
- حکیمی‌ها، سعید. (۱۳۷۳ش.). *مسئولیت کیفری ناشی از خودداری از کمک به مصدومین*، مجله پزشکی قانونی، شماره ۲، آذر و دی ۷۳.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۲ش.). *جرائم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۴ش.). *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- صانعی، پرویز. (۱۳۸۱ش.). *حقوق و اجتماع*، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
- فلچر، جورج. پی. (۱۳۸۴ش.). *مفاهیم بنیادین حقوق کیفری*، ترجمه: سید مهدی سیدزاده‌ثانی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کریمی، یوسف. (۱۳۹۱ش.). *روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها مفاهیم و کاربردها*، تهران: چاپ بیست و هفتم، انتشارات ارسباران.
- کلارکسون، سی.ام.وی. (۱۳۷۴ش.). *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه: حسین میرمحمدصادقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- کوشا، جعفر. (۱۳۸۱ش.). *جرائم علیه عدالت قضائی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۰ش.). *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵ش.). *دوره حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج‌دانش.

منصوری، سعید؛ افچنگی، محسن. (۱۳۸۱ش.). *کمک و یاری‌رسانی به دیگری*، فصل‌نامه امداد و نجات، شماره ۱، بهار ۸۸.

مهرپور، حسین؛ تفرشی، محمد عیسی؛ ابدالی، مهرزاد. (۱۳۸۰ش.). *اجرای حقوقی اخلاق*، مدرس علوم انسانی، شماره ۴، زمستان ۸۰.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۵ش.). *مطالعه تطبیقی ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرایم علیه اشخاص*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۸۵.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۲ش.). *جرائم علیه اشخاص*، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.

نجفی، مهدی؛ سیاسی‌مقدم، حسین؛ پورمحمد، آناهیتا. (۱۳۸۸ش.). *میزان علاقه‌مندی مردم به شرکت داوطلبانه در برخی فعالیت‌های مختلف جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران*، فصل‌نامه امداد و نجات، شماره ۱، بهار ۸۸.

[Http:// en.wikipedia.org/wiki, Omission\(Criminal Law\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Omission(Criminal_Law)).

Robinson, Paul H. (1984). *Criminal liability for omission*, New York law school, law review, vol 29.

یادداشت شناسه مؤلف

جعفر یزدیان جعفری: استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.

نشانی الکترونیکی: j_yazdian@yahoo.com

Researching of abstain of help to dangered persons as crime

Jafar Yazdian-Jafari

Abstract

One of the crime that to be discus in special criminal law as crime against persons is abstain of help to dangered persons. Despite this crime is old in criminal statute of Iran but has not enough research. Essens for criminality in this omission is ethical principles and social co-operative . This article will research elements of this crime after analyze origin of its criminality. In first section criminality for all people need overview for increase the sprite of isolationism in recent years in Iranian society and in second section despite recent alterations at article 295 statute of Islamic punishment cannot omission be cause for homicide because this article needs causation.

Keywords

abstain, help, omission, danger, duty